

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه (پژوهشی)

آناهیتا پرتوی*

سهیل سعادت‌نیا**

نادیا حاجی‌پور***

چکیده

استعاره، امروزه ابزاری قدرتمند است که جهان شناختی ما را شکل می‌دهد. واژه‌هایی چون خشم، غم، ترس، شادی و عشق از نظر بررسی استعاره مفهومی در حوزه عواطف از واژه‌های بنیادی در زبان هستند. در این پژوهش استعاره‌های مفهومی «غم» در اشعار مرثیه ملاعلی فاخر و حبسیه‌های مسعود سعد سلمان از منظر معنی‌شناسی شناختی و به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. داده‌ها شامل ۴۳۰۰ بیت از کتاب اشعار گزیده مرثیه ملاعلی فاخر و حدود ۱۸۰۰۰ بیت از دیوان اشعار مسعود سعد سلمان است. این پژوهش قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که چه نام‌نگاشت‌هایی از استعاره مفهومی غم در این دو اثر وجود دارد؟ و این نام‌نگاشت‌ها چه شباهت و تفاوت‌هایی در این دو نوع شعر با هم دارند؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد در مرثیه ۱۶ نوع نام‌نگاشت و دیوان مسعود سعد سلمان ۱۲ نوع نام‌نگاشت یافت شده است. در این میان ۸ نام‌نگاشت مانند «انسان»، «شی»، «آتش» و ... در دو اثر، حوزه مبدا مشترک داشتند. در برخی از حوزه‌های مبدا در دو اثر تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. البته در

* (نویسنده مسئول)، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی گروه زبان‌شناسی (نویسنده مسئول)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی قائم‌شهر. قائم‌شهر. ایران. کارشناس مسئول امور فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران، ایران anahitapartovi@yahoo.com

** عضو هیات علمی گروه زبان‌شناسی و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی / قائم‌شهر. ایران Soheil.saadatinia@gmail.com

*** دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ایران. nadiahajipour@yahoo.com

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۱۷

نام‌نگاشت‌های مشترک هم تفاوت‌هایی در دو اثر دیده می‌شود. برای مثال «غم» در گزیده مرثیه، انسانی سر به گریبان است ولی در حبسیه، مونس و غم‌خوار انسان است.

کلیدواژه‌ها: مرثیه، حبسیه، غم، معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، علی ملافاخر، مسعود سعد سلمان

۱. مقدمه

عواطف یکی از محوری‌ترین و فراگیرترین جنبه‌های تجربه‌های انسان است. از آنجا که شناخت تحت تأثیر عواطف قرار دارد و خود می‌تواند بر عواطف تأثیرگذار باشد مطالعه و بررسی عواطف انسانی یکی از اجزای اصلی کاوش در شناخت انسان است. عواطف و مفهوم‌سازی‌های مربوط به آن را نمی‌توان بدون ارجاع به زبان عواطف به شکلی دقیق مورد مطالعه قرار داد. راحت‌ترین دسترسی ما به عواطف از طریق زبان صورت می‌گیرد و بررسی‌های زبانی مدت‌هاست که به عنوان منبع اصلی اطلاعات در خصوص عواطف مورد استفاده و بهره‌گیری قرار داشته است. معنی‌شناسی شناختی بر این باور است که زبان قراردادی شده که به عنوان ابزاری برای صحبت کردن در ارتباط با عواطف مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌تواند ابزاری با اهمیت در خصوص کشف ساختار و مفاهیم آن‌ها باشد. نظریه معاصر استعاره، بر این باور است که استعاره نقش مهمی در مفهوم‌سازی عام و علمی عواطف ایفا می‌کند.

از گذشته استعاره ویژگی‌ای زبانی دانسته شده که بررسی آن در مطالعات فن بیان و نقد ادبی قدمتی بیش از ۲۰۰۰ سال دارد. در سنت فن بیان برای استعاره ماهیتی زیبایی‌شناسانه و آرایه ادبی در نظر گرفته شده است و ازین رو آن را عبارت‌های غیرعادی و نمادین خارج از نظام‌های زبانی عادی دانسته‌اند. تعریف ارسطو از استعاره یعنی «اعطای نام یک شی به شی دیگر» قرن‌ها نگاه مسلط در مطالعه این پدیده در نظریه‌های غربی بوده است (ریکوئر، ۱۹۷۸: ۱۳). امروزه زبان‌شناسی شناختی که حاصل تعامل و تلفیق علوم شناختی و فهم زبان می‌باشد، افق‌های جدیدی را در ارتباط با فهم استعاره گشوده است. در این دیدگاه بجای آنکه استعاره در حد آرایه‌ای زبانی تنزل پیدا کند؛ به مثابه ابزاری قدرتمند که جهان شناختی

^۱P. Ricoeur,

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۱۸

ما را شکل می‌بخشد ارتقا یافته است (لو، ۲، ۲۰۱۶). در طبقه واژه‌های توصیف کننده عواطف، اصطلاحات را می‌توان از منظر بیشتر یا کمتر بنیادی بودن مورد توجه قرار داد. به نظر می‌رسد گویشوران یک زبان احساس می‌کنند برخی از واژه‌های عواطف، بنیادی‌تر از دیگران باشند. واژه‌های بنیادی‌تر زبان انگلیسی شامل خشم، غم، ترس، شادی و عشق می‌شوند (دینگ، ۳، ۲۰۱۲). فریجا، مارکان، ساتو و وایز (۱۹۹۵) پنج طبقه کلی و احتمالاً همگانی را در یازده زبان مختلف شناسایی کرده‌اند که شامل شادی، غم، خشم، ترس و عشق هستند.

در پژوهش حاضر نخست، نظریه استعاره معاصر و مفاهیم مطرح در این حوزه شرح داده می‌شود. سپس برخی آثار مهم در زمینه مفهوم‌سازی عواطف که بر روی داده‌هایی از زبان فارسی انجام شده، معرفی می‌شود. در انتها، با تمرکز بر چگونگی مفهوم‌سازی «غم»، استعاره‌های مفهومی موجود در دو اثر گزیده مرثیه در موضوع مرثیه از فقیه و عالم شیعه علامه ملاعلی فاخری و دیوان اشعار فارسی در موضوع حبسیه از مسعود سعد سلمان شاعر، خوش‌نویس، ادیب و اسب شناس دوره غزنویان در نیمه دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم هجری، استخراج و با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

۱-۱ ملا علی فاخر

علامه ملاعلی فاخری متخلص به فاخر، فقیه، ادیب، عارف و حماسه‌سرای قرن ۱۳ هجری است. وی در سال ۱۱۸۸ ه.ش (۱۲۲۴ ه.ق) در روستای سنار از توابع شهرستان چالوس در استان مازندران به دنیا آمد. فاخر ابتدا در ایران به تحصیل علوم دینی و فقهی پرداخت و مدارج علمی را طی کرد. این فقیه توانا ضمن رسیدگی به امور شرعی منطقه، در ترویج احکام اسلامی و فرهنگ عاشورایی تلاش بسیاری کرد و با بهره‌گیری از ذوق ادبی خویش و اشراف بر علوم و معارف اسلامی، وقایع زندگی معصومین (ع) به ویژه واقعه عاشورا را به صورت تعزیه و مرثیه در قالب اشعار حماسی و عرفانی به نظم کشید.

چندین اثر از ملا علی فاخر بر جای مانده است. بخشی از این آثار مربوط به مرثیه‌سرایی است. ارادتی که وی به اهل بیت به‌خصوص امام حسین (ع) و یارانش داشت، موجب

^۱L. Luo,

^۲F. Ding

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادتی نیا و حاجی‌پور ۱۹

سرودن اشعاری در رثای آنان شد که بسیار پر سوز و گداز هستند. آثار ملا علی فاخر به صورت دیوان اشعار، جنگ تعزیه‌خوانی و مرثیه است که در واقع ادامه اشعار مذهبی دوران صفویه است. کتاب کعبه مقصود، کلیات اشعار ملا علی فاخری تحت عنوان فاخریه، لطایف الکلام، جنگ تعزیه فاخر و مرثیه فاخر از آثار ملا علی فاخر است. در این پژوهش استعاره مفهومی غم در گزیده مرثیه بررسی شده است.

کتاب گزیده مرثیه فاخر که مشتمل بر ۸۴ مرثیه می‌باشد، اثر علامه فاخر و زاده فاخر است. این کتاب در ۱۰ فصل به چاپ رسیده است که شامل ۵۶ مرثیه سروده فاخر و ۲۸ مرثیه سروده زاده فاخر است (برای آگاهی بیشتر ← قاسمی و دیگران، ۱۳۹۶، ج ۲: ۳۰-۳۲).

۱-۲ مسعود سعد سلمان

مسعود سعد سلمان، شاعر بزرگ و توانای دوره غزنوی و سلجوقی در سال ۴۳۸ هجری در همدان به دنیا آمد. پدرش، مسعود، فردی ثروتمند بود که به عنوان سفیر از سوی غزنویان به هند فرستاده شده بود. درباره محل تولد او اختلاف نظر وجود دارد برخی اصلیت او را متعلق به همدان می‌دانند و او را زاده لاهور پاکستان می‌دانند. بنا به گفته محمد عوفی وی در همدان به دنیا آمده، دولت‌شاه سمرقندی او را اهل جرجان می‌داند، واله داغستانی می‌گوید اصل او را از همدان است ولی مدت‌ها در لاهور به سر برده است و بدیع‌الزمان فروزانفر در سخن و سخنوران زادگاهش را لاهور نوشته است و رضازاده شفق نیز اینگونه می‌پندارد.

زندگی مسعود سعد سلمان مصادف با سلطنت شش پادشاه غزنوی بوده است. زندگی ادبی و خدمت شاهی او از دوره سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی آغاز شد و به فرمان همین پادشاه در زندان محبوس شد. وی به مدت هفت سال در قلعه‌های سو، دهک و و سه سال در قلعه نای زندانی شد. در زمان مسعود بن ابراهیم با وساطت آزاد و با حکم مسعود به ابراهیم به حکومت چالند منصوب شد. پس از چندی دوباره مورد غضب قرار گرفت و به مدت هشت سال در قلعه مرنج زندانی شد و دوباره آزاد گشت. در مجموع به مدت ۱۸ سال از بهترین روزهای عمر خود را در زندان گذراند و سرانجام در سال ۵۱۸ هجری وفات یافت (مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۲: مقدمه).

۱-۲-۱ آثار مسعود سعد سلمان

مسعود سعد سلمان اولین شاعر حبسیه‌سرای فارسی‌زبان شمرده می‌شود. آثار او شامل: قصیده، دیوان شعر فارسی، هندی و عربی است. قصیده‌هایش به سبک خراسانی اغلب در

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۲۰

مدح پادشاهان غزنوی است. اشعار او بیانی ساده و روان دارد. دیوان شعر فارسی وی نزدیک به هجده‌هزار بیت دارد و غیر از قصیده، دارای غزل و رباعی، مثنوی، قطعه و چستان نیز است. اشعاری که او در زندان سروده به حبسیه معروف است و نشان‌دهنده احساساتی از جمله غم است که از اعماق وجود او سرچشمه می‌گیرد و نشان‌دهنده آرزوهای شاعر است که به دلیل زندانی شدن برای او دست‌نیافتنی است (برای آگاهی بیشتر از زندگی مسعود سعد سلمان و اشعار او ← مسعود سعد سلمان، ۱۳۶۲: مقدمه).

۳-۱ استعاره مفهومی

استعاره سازوکاری شناختی است که به واسطه آن حوزه‌ای تجربی (لانگاکر، ۱۹۸۷) به صورتی نسبی بر حوزه تجربی دیگر نگاشت می‌شود؛ به این ترتیب حوزه دوم به صورتی نسبی از طریق حوزه نخست فهمیده می‌شود. حوزه‌ای که نگاشت می‌شود حوزه مبدأ^۴ یا اهداکننده^۵ نام دارد و حوزه‌ای که بر روی آن نگاشت صورت می‌گیرد حوزه مقصد^۶ یا پذیرنده^۷ نام دارد. هر دوی این حوزه‌ها زیرمجموعه‌ای از حوزه‌های بالاتر هستند (جانسون، ۱۹۸۷؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ لیکاف ۱۹۸۷، ۱۹۹۰، ۱۹۹۳؛ لیکاف و ترنر، ۱۹۸۹؛ ترنر، ۱۹۸۷).

به اعتقاد لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۸) شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنایی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقش اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی است و از آنجا که این نظام ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۶). استعاره از دید ایشان صرفاً ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایه ادبی نیست (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳) بلکه جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز به وسیله چیزی دیگر است (همان: ۵). لیکاف و جانسون معتقدند از آنجا که مفاهیم و فعالیت (کنش)‌های ما به صورتی استعاری ساختار یافته‌اند در نتیجه زبان ما نیز به شیوه‌ای

^۴source

^۵donor

^۶target

^۷recipient

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۲۱

استعاری ساختاریافته است. ما به ندرت از استعاره‌های از پیش‌انگاشته شده در کاربرد روزمره زبانمان آگاهی داریم؛ این استعاره‌ها صرفاً درون واژه‌هایی که به کار می‌بریم وجود ندارند بلکه در مفاهیمی که به صورت روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم نیز حضور دارند. ما در مورد یک چیز به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم زیرا در واقع آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین صورت دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عملکرد ما می‌رسد. (همان، ۵-۷).

به اعتقاد کوچش استعاره‌های مفهومی سازوکارهای ذهنی‌اند و همگی آن‌ها باز نمود زبانی نمی‌یابند؛ بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (کوچش، ۲۰۱۰: ۶۳). کوچش نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را به این صورت خلاصه کرده است:

۱. استعاره خاصیتی مربوط به مفاهیم است و نه واژه‌ها؛
۲. نقش استعاره فهم بهتر مفاهیمی خاص است و نه صرفاً آفرینش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی؛
۳. استعاره‌ها اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند؛
۴. استعاره روزانه و بدون صرف زحمت توسط افراد عادی به کار گرفته می‌شود و نه فقط توسط افرادی با استعدادها و ویژه؛
۵. استعاره به جای آنکه نوعی آرایه زبانی زائد باشد، نوعی فرایند گریزناپذیر تفکر و استدلال انسان است (کوچش، ۲۰۱۰: X).
- ۶.

۱-۴ نگاشت و نام‌نگاشت

مفهوم اصلی در نظریه استعاره‌های مفهومی نگاشت است این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان برخی حوزه‌های مفهومی وجود دارد. لیکاف الگوهای ثابتی نظیر [عشق سفر است] را نام‌نگاشت می‌نامد که در واقع باز نمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و نگاشت را مجموعه‌ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می‌داند. (افراشی، ۱۳۹۵: ۶۷ و ۶۸). نام‌نگاشت [عشق سفر است] از حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق تشکیل شده است. به این ترتیب با توجه به گفته لیکاف (۱۹۹۳: ۲۱۲) مبنی بر اینکه: «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است» در این

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۲۲

استعاره یک تناظر نظام‌مند و هستی‌شناختی بین آنچه در حوزه مقصد است با آنچه در حوزه مبدأ است، وجود دارد.

۱-۵ پیشینه

بررسی‌های شناختی در حیطه مفهوم‌سازی عواطف در بسیاری از پژوهش‌های داخلی و خارجی مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است مانند: منصوبی (۱۳۸۹)، کریمی (۱۳۹۱)، موسوی نسب (۱۳۹۲)، زوروز، افراشی، عاصی (۱۳۹۲)، زوروز (۱۳۹۲)، نایب‌لویی (۱۳۹۳) افراشی، مقیمی‌زاده (۱۳۹۴)، تباری (۱۳۹۴) و افراشی (۲۰۱۱) که عواطفی نظیر: خشم، درد، شادی، لذت، علاقه، شرم و عشق را در آثار مکتوب، گفتاری و ادبی زبان فارسی و سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی مورد توجه و بررسی قرار داده‌اند. اما در این بین برخی از پژوهش‌ها مستقیماً مفهومی «غم» را مورد مطالعه قرار داده‌اند که می‌توان به این وارد اشاره نمود:

ملکیان و ساسانی (۱۳۹۲) مفاهیم غم و شادی در گفتار روزمره را در چارچوب معنی‌شناسی شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند؛ استعاره‌های عواطف در این پژوهش بر اساس مدل کوچش در خصوص عواطف شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند ملکیان و ساسانی با بررسی ۱۲۵ عبارت استعاری که ۸۱ مورد آن مربوط به غم و ۴۴ مورد مربوط به شادی بوده‌است به این نتیجه رسیده‌اند که رایج‌ترین حوزه‌های مبدأ در مورد غم به ترتیب ویرانی، بیماری، مرگ می‌باشند. این حوزه‌ها برای شادی وضعیت روحی و جسمی خوب، پرواز کردن / بالا رفتن می‌باشند.

فضائلی و ابراهیمی (۱۳۹۳) استعاره مفهومی احساس غم و چگونگی مفهوم‌سازی آن در اشعار مسعود سعد سلمان را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که، ۱۴ استعاره مفهومی از غم در اشعار سعد سلمان وجود دارند که از این بین ۶ استعاره بار معنایی منفی‌تری دارند: [غم بیماری است]؛ [غم تیغ و تیر است]؛ [غم دشمن است]؛ [غم زنگار است]؛ [غم آتش است] و [غم باران است]. برخی از استعاره‌های مفهومی محصول خلاقیت شاعر هستند: [غم خوراکی است]؛ [غم انسان است]؛ [غم حیوان است]؛ [غم تیغ و تیر است]؛ [غم شیئی است]؛ [غم مطلبی گفتنی است]؛ [غم زنگار است]؛ [غم آتش است] و [غم شمرده می‌شود]. فضائلی و ابراهیمی در پایان اینگونه نتیجه گرفته‌اند که وجود چنین استعاره‌های خلاقانه‌ای به دلیل محیط زندان باشد که باعث شده است که شاعر

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادتی نیا و حاجی پور ۲۳

در خلوت خود تفکرات ژرفی درباره محیط پیرامون خود و احساسات درونی خود داشته باشد.

آزادی خواه (۱۳۹۴) سازوکارهای بیانی استعاره های غم و شادی را در آثار پروین اعتصامی و در چارچوب زبان شناسی شناختی مورد بررسی قرار داده اند.

حر، لیلیا و خزانهدار لو (۱۳۹۴) سه مفهوم پر بسامد دل، غم و روزگار را با رویکردی شناختی در کتاب نفثه المصدور محمد زیدری را مورد بررسی قرار داده اند. یافته های این پژوهش نشان می دهد، زیدری در نفثه المصدور همگام با عنوان کتابش مفهوم «دل و غم» را با بیشترین بسامد به کار گرفته و در ساخت آن از استعاره مفهومی از نوع ظرفی بهره برده است. به عبارتی نفثه ای که از دل سرریز شده در قالب ظرف و مظهر با مفاهیم دل و محنت نمود یافته است.

حر، لیلیا؛ خزانهدارلو، محمد علی (۱۳۹۴). «تحلیل شناختی نفثه المصدور زیدری نسوی با تکیه بر سه مفهوم پر بسامد (دل، غم و روزگار)». مطالعات زبانی-بلاغی، سال ۶، شماره ۱۱، ۲۳-۴۶.

قاسمی، حسین و دیگران (۱۳۹۶). «استعاره مفهومی غم در اشعار ملا علی فاخر»، نگارندگان مفهوم غم را در دو مجموعه شعر گزیده اشعار و گزیده مرثیه بررسی کرده اند. در این بررسی مشخص شد که در گزیده مرثیه و گزیده اشعار شاعر با ۱۷ حوزه مبدأ نیرو، مظهر، شیء، درد و بلا و مصیبت، خوراک، انسان یا جاندار، مکان، زمان یا واقعه، ماده، آتش، بند و اسارت، ظرف، عنصر طبیعت، مسیر، بیماری، گیاه، پوشاک (حجاب) غم را مفهوم سازی و بازنمایی کرده است.

۲. یافته ها

داده های مورد بررسی در این پژوهش شامل اشعار گزیده مرثیه (۱۳۹۴) و دیوان اشعار (۱۳۶۲) مسعود سعد سلمان است. مجموعه ابیات بررسی شده ۴۳۰۰ بیت از کتاب گزیده مرثیه که قبلاً انجام شده است (← قاسمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۷-۵۳) و حدود ۱۸۰۰۰ بیت از دیوان شعر فارسی مسعود سعد بود که آن نیز پیشتر مورد بررسی قرار گرفته بود (← فضائی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۶۵-۸۰). کتاب گزیده مرثیه به موضوع مرثیه برای اهل بیت و دیوان اشعار مسعود سعد به احساسات شاعر در زندان اختصاص داشت. در گزیده مرثیه ۱۶

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نیا و حاجی‌پور ۲۴

نوع نام‌نگاشت با حوزه‌های مبدأ «نیرو»، «شیء»، «درد و بلا و مصیبت» به ترتیب پربسامدترین بود و پس از آن نام‌نگاشت‌های انسان یا جاندار، زمان یا واقعه، ماده، عنصر طبیعت، ظرف، آتش، مظروف، خوراک، بند و اسارت، بیماری، گیاه و پوشاک قرار داشت. در بررسی انجام شده درباره استعاره مفهومی غم در دیوان اشعار مسعود سعد سلمان نیز ۱۲ نوع نام‌نگاشت با حوزه مبدأ خوراک، انسان، بیماری، حیوان، شیء، مطلب گفتنی، دشمن، زنگار، آتش، مظروف، ظرف و باران یافت شد. در این پژوهش حوزه‌های مبدأ غم در هر دو اثر با هم مقایسه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن ذکر می‌شود. در ادامه ابتدا به حوزه‌های مبدأ مشترک در دو اثر اشاره خواهد شد و سپس به بیان تفاوت‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱- حوزه‌های مبدأ مشترک در مرثیه و حبسیه

۲-۱-۱- غم شیء است.

۲-۱-۱-۱- کاربرد این حوزه مبدأ در گزیده مرثیه،

تن ضعیف و لاغرم کشد چگونه بار غم چنین بلا نه طاقت یکی بشر پدر پدر (ص ۳۳۶)
از بس که غم اندر دلم بر روی غمبار است در پیش چشمم روز روشن چون شب تار
است (ص ۱۲۹)

در این دو بیت غم چون شیء است که به صورت بار بر دوش کسی سنگینی می‌کند. در جای دیگر به صورت چیزی است که در اختیار کسی قرار دارد.

هی دیدی ذاکری کز هول محشر داشت غم مزد فاخر نیست کم (ص ۵۵)
همچنین غم مانند ابزاری جنگی تصور شده است که بر جان حمله‌ور و موجب مرگ می‌شود.

مادر چه سازد از غم جوانش جوانش صد تیر غم شد حمله‌ور به جانش به جانش
(ص ۱۰۴)

آن دم که شهرزاده علی اکبر روان گردید صد تیر غم در آن زمان بر قلب لیلا شد (ص ۷۸)

ز بس که تیر بر قدم طپیده شد خمیده شد زند دوباره تیر غم به قامت کمان من
(ص ۲۲۵)

شیء گاه خاک تصور شده است:

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نیا و حاجی‌پور ۲۵

سرو قد جوانان در خاک غم فتاده گویا که عید قربان در نینوا ست امروز
آن سرو قد اکبر در خاک غم در افتاد باشد کفن به قامت جای قبا ست امروز (ص
۱۸۳)

شیء در بیت زیر شیء قابل دیدن است:

صد هزاران محنت و غم زین سفر چشمم بدید پس بلاهای پیایی بر سر خواهر
رسید (ص ۲۷۴)

گاه شیء قابل شمردن است:

کیست آن کس که در این ماتم جان‌سوز زند دست بسر همچو بلبل بسراید
بشمارد غم بسیار حسین (ص ۲۵۴)

۲-۱-۱-۲ کاربرد حوزه مبدأ غم شیء است در حبسیه

فرزندکانش را پس مرگش عزیز دار کو خود به عمر، جز غم فرزندان نداشت (ص
۱۸۹)

در این بیت غم چون شیئی در نظر گرفته شده که شاعر آن را در اختیار دارد و صاحب آن
می‌باشد.

ز بس غمان که بدیدم چنان شدم که مرا از این پس هیچ غمی پیش چشم نگراید (ص
۲۳۲)

در این بیت غم شیئی دیدنی، ملموس در نظر گرفته شده است.

فلک چو شادی می‌داد مرا بشمرد کون که می‌دهدم غم همی نیاماید (ص ۲۳۲)

غم مانند شیئی دادنی در نظر گرفته شده است.

بختم چو بخواهد خرید از غم این چرخ بها می‌کند گرانم (ص ۴۲۷)

غم در این بیت شیئی قابل خرید یا فروش در نظر گرفته شده است.

۲-۱-۲ غم انسان است.

۱-۲-۱-۲ غم با حوزه مبدأ انسان در گزیده مرثیه در ابیات زیر آمده است. در بیت زیر از

گزیده مرثیه فاخر، غم انسانی است که سر به گریبان دارد.

دود آن تا طارم اخضر کشید سر به جیب غم ملک یک سر کشید (ص ۲۱)

در جای دیگر، غم چون لشکری، شاعر را به اسارت در آورده و یا به او حمله‌ور شده است:

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۲۶

عمه نموده مرا لشکر غم دستگیر چرخ ستمگر مرا کرده به طفلی صغیر (ص ۲۹۶)

۲-۱-۲-۲ غم با حوزه مبدأ انسان در حبسیه مسعود سعد سلمان چنین آمده است:

با غم، طبعم از آن سان گرفت انس کز در چو غم درآید گویدش مرحبا (ص ۱۲۸)

در مصرع اول غم چون انسانی تصور شده است که سر به گریبان دارد و در مصرع دوم چون انسانی که از در وارد می‌شود. حس که در مصرع دوم القا می‌کند، حس انسان محبوسی را نشان می‌دهد که تنها است و آرزوی ورود همدمی را دارد (نیز ← فضایی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۷۲).

همچنین در ابیات زیر:

گرفتم انس به غم‌ها و اندهان گر چند منازعان چو دل و زندگانی و جانند (ص ۲۲۵)

از محنت باز خر مرا یک ره گر چند به دست غم گروگانم (ص ۴۳۲)

۲-۱-۳ غم آتش است.

۲-۱-۳-۱ در گزیده مرثیه

غم با حوزه مبدأ آتش و سوزاننده نیز در ابیات مورد استفاده قرار گرفته است. رخداد آن در گزیده مرثیه ۳ مورد است.

آه که سوخت مادرش از غم زخم پیکرش اذا السماء فرجت بأی ذنب قُتلت (ص ۱۸۹)
غم چون آتش سوزاننده است.

۲-۱-۳-۲ در دیوان مسعود سعد سلمان

هم بدین سان گدازدم شب و روز غم تیمار پدر و مادرم (ص ۴۱۸)

غم دوری از عزیزان و ناتوانی در نگهداری آنان چون آتشی سوزاننده است که شاعر به سبب آن در سوز و گداز است.

۲-۱-۴ غم ماده است.

۲-۱-۴-۱ مفهوم‌سازی غم در گزیده مرثیه با حوزه مبدأ ماده به صورت زیر آمده است.

دراین عالم مرا بودی چه تقصیر غم من در جهان شد بی‌نهایت (ص ۱۲۷)

۲-۱-۴-۲ در حبسیه مسعود سعد سلمان غم با این حوزه مبدأ، به صورت ماده‌ای قابل پراکنده شدن، تصویرسازی شده است.

بر دل، غم و انده پراکنده جمع است ز خاطر پریشانم (ص ۴۳۲)

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نیا و حاجی‌پور ۲۷

۲-۱-۵ غم ظرف است.

۲-۱-۵-۱ استعاره مفهومی غم در این نوع از حوزه مبدأ غم، چون ظرفی در نظر گرفته شده است که شیء یا ماده‌ای را در خود جای می‌دهد.

از چه سیه‌پوش بنی آدم است از چه همه آدمی اندر غم است (ص ۳۱)
همه آبروی دنیا به صدق مادر چه سبب که هست اندر غم تشنگان حسینم (ص ۲۳۲)
۲-۱-۵-۲ در حبسیه مسعود سعد:

همانا که جنس غم کاندرو به تشدید محنت شدم مضمی (ص ۵۶۷)
نخورده یکی ساغر از غم تمام دمام فرا آردم ساغری (ص ۵۶۷)
در هر بیت غم به عنوان حوزه مقصد چون ظرف در نظر گرفته شده است.

۲-۱-۶ غم مظلوف است.

۲-۱-۶-۱ ابیات زیر بیانگر غم با حوزه مبدأ مظلوف در گزیده مرثیه است.
چمن بی روی تو خرم مبادا هوا خندان زمین بی غم مبادا (ص ۱۰۱)
در این بیت زمین ظرفی تصویر شده است که غم را درون خود جای داده است. در دو بیت زیر نیز دل ظرفی است که در خود غم دارد.
در بیت زیر غم علاوه بر اینکه خوردنی کشنده است مظلوفی است که در جام دل انباشته شده است:

گفت ای تازه جوان ناکام من زهر غم پر کرده‌ای در جام من
۲-۱-۶-۲ در حبسیه:

ور دل من شده است بحر غمان من چگونه ز دیده در شمرم (ص ۴۱۹)
در این بیت دل چون دریایی در نظر گرفته شده است که غم به عنوان مظلوف در آن جای گرفته است.

۲-۱-۷ غم خوردنی است.

۲-۱-۷-۱ غم با این حوزه مبدأ در گزیده مرثیه تنها در یک مورد استفاده شده است.
ماه غم باز از افق سر بر کشید بر کشید و جام غم را سر کشید (ص ۲۱)
حوزه مقصد غم در مصرع دوم این بیت، نوشیدنی در نظر گرفته شده در حالی که در مصرع اول به عنوان عناصر طبیعت نمود یافته است.

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۲۸

۲-۱-۷-۲ در شعر مسعود سعد سلمان این حوزه مبدأ به شکل متفاوتی به کار رفته است. شاعر به دلیل اسارت در زندان و شرایط حاصل از آن غم نخوردن را ترجیح می‌دهد. شد دیده تیره و نخورم غم ز بهر آنک روزم همه شب است و صباحم همه مسا (ص ۳۲۹)

گر فلک جور کرد بر دل من پادشاه عادل است غم نخورم (ص ۴۱۹)

۲-۱-۸ غم بیماری است.

۲-۱-۸-۱ این استعاره مفهومی تنها یکبار در گزیده مرثیه به کار رفته و به صورت بیماری در نظر گرفته شده که شاعر به آن مبتلا است.

کشتی عمرم شده لجه‌ی غم مبتلا در صف دشت بلا مانده و حیران منم (ص ۲۲۳)
۲-۱-۸-۲ در حبسیه مسعود سعد نیز غم، بیماری در نظر گرفته شده که شاعر به آن مبتلا است.

می‌دان یقین که شادی و راحت فرستدت گر چند گشته‌ای به غم و رنج مبتلا (ص ۱۲۹)

۲-۲ حوزه‌های مبدأ متفاوت در مرثیه و حبسیه

حوزه‌های مبدأ در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه علاوه بر شباهت‌ها، تفاوت‌هایی نیز داشت که پس از بیان مشترکات (← ۲-۱)، در ادامه به این تفاوت‌ها اشاره می‌شود.

۲-۲-۱ مرثیه حوزه‌های مبدأ نیرو، درد و بلا و مصیبت، زمان یا واقعه، عنصر طبیعت، مکان، بند و اسارت، گیاه و پوشاک در گزیده مرثیه ملاعلی فاخر قابل شناسایی بود که در اشعار مسعود سعد سلمان دیده نشد. در ادامه با ذکر مثال به این حوزه‌های مبدأ اشاره می‌شود.

۲-۲-۱-۱ غم نیرو است.

غم با حوزه مبدأ نیرو در گزیده مرثیه بیشترین بسامد رخداد را داشته است. در این نوع از شعر غم به مثابه نیرو مفهوم‌سازی شده و می‌تواند موجب مرگ، پیری، خمیدگی و ... شود.

ای پدر جان زغمت دختر تو کور شده از غم بی‌پدری خسته و رنجور شده (گزیده مرثیه، ص ۲۳۵)

نیرو در مصرع اول موجب نابینایی و در مصرع دوم موجب پیری و رنجوری شده است.

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نیا و حاجی‌پور ۲۹

در بیت بعد غم نیرویی یا انگیزه‌ای است که موجب انجام کاری می‌شود:
کن جامه نیلی که ز غمش نیلی قبا حیدر خاکم به سر دستش جدا از تیغ اعدا شد
(گزیده مرثیه، ص ۲۴)

غم نیرویی است که در اثر آن قد خمیده چون حرف دال به کمان می‌شود:
سرو ریاض قدش از غم چون کمان گردید گل‌های باغ عاشقان فصل خزان گردید
(گزیده مرثیه، ص ۷۸)

گاه غم نیرویی است که تحمل آن مشکل و غیرقابل تحمل است:
جن و بشر گریان سنگ و مدر سوزان این غم بود بر فاخر نوحه خوان مشکل (گزیده
مرثیه، ص ۱۰۸)

۲-۱-۲-۲ غم درد و بلا و مصیبت است.

غم با حوزه مبدأ درد در گزیده مرثیه نیز با بسامد بالا رخداد داشته است. بازنمایی مفهوم غم
با استفاده از حوزه مبدأ درد، حکایت از درد و بلا و مصیبتی است که موجب غم می‌شود.
در دو بیت زیر غم به صورت درد و مصیبت بازنمود داشته است:

یک سو غم بی یاری برادر برادر یکسو به خیمه خواهران مکدر مکدر (گزیده مرثیه،
ص ۱۴۹)

از غم تو خط جوانم گشته‌ام خونین جگر ای پسر ای مرا نور بصر (گزیده مرثیه، ص
۱۲۲)

۲-۱-۲-۲ غم مکان است.

غم با این حوزه مبدأ در بیت زیر به کار رفته است.

همه آب روی دنیا به صداق مادر او چه سبب که هست اندر غم تشنگان حسینم
(گزیده مرثیه، ص ۲۱۳)

۲-۱-۲-۲ غم، زمان یا واقعه است.

گاه غم به صورت زمان یا واقعه‌ای به تصویر کشیده شده است.

ای دل دمی نظر کن هنگامه‌ی غم آمد خاک عزا به سر کن ماه محرم آمد (گزیده
مرثیه، ص ۱۹)

ناله کن ای دل ز غمش زار زار گاه غم ماتمیان آمده (گزیده مرثیه، ص ۳۳)

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۳۰

۲-۲-۱-۵ غم، بند و اسارت است.

استعاره مفهومی غم با حوزه مبدأ بند و اسارت در گزیده مرثیه چنین آمده است.

هم غم و زنجیر اندر گردن طفلان ببین ظلم بی پایان ببین (گزیده مرثیه، ص ۵۴)

۲-۲-۱-۶ غم عنصر طبیعت است.

غم، در مصرع اول بیت زیر با در نظر گرفتن «ماه» در مفهوم عنصر طبیعی به کار رفته است.

ماه غم باز از افق سر بر کشید برکشید و جام غم را سر کشید (گزیده مرثیه، ص ۲۱)

همچنین در این بیت غم، به عنوان گرداب بازنمایی شده است.

در این شب نوح را کشتی شکسته به گرداب غم و کربت نشسته (گزیده مرثیه،

ص ۱۵۹)

۲-۲-۱-۷ غم گیاه است.

غم با این حوزه مبدأ نیز تنها یک بار در گزیده مرثیه به کار رفته است. غم گیاهی است که

قابل پرورش می‌باشد.

یک دم نشین اندر برم غم پرورم خواهر ای مادرم خواهر ای یاورم خواهر (گزیده

مرثیه، ص ۱۷۵)

۲-۲-۱-۸ غم پوشاک است.

این نوع مفهوم‌سازی از غم نیز یک بار در گزیده مرثیه به کار رفته است. غم پوششی از نوع

چادر است که بر سر کشیده می‌شود.

چادر غم کرده به سر دخترم خواهرم خواهر غم پرورم (گزیده مرثیه، ص ۱۹۴)

۲-۲-۲-۲ **حبسیه** حوزه‌های مبدأ حیوان، مطلب گفتنی، زنگار در اشعار مسعود سعد سلمان

قابل شناسایی بود که در گزیده مرثیه ملا علی فاخر دیده نشد. در ادامه با ذکر مثال به این

حوزه‌های مبدأ اشاره می‌شود.

۲-۲-۲-۱ غم حیوان است

چون بیفسایدم چو مار غمی بر دل من چو مار بگمارد (مسعود سعد سلمان، ص ۲۱۱)

در این بیت غم به صورت ماری تصویر شده است که موجب افسون شاعر شده است.

۲-۲-۲-۲ غم مطلب گفتنی است.

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۳۱

گوید که با که گویم اکنون غمان دل وز که کنون همی شنوم من نکات تو (مسعود سعد سلمان، ص ۵۴۳)

در اینجا غم در واقع درد و غم دل است که بازگو می‌شود. یعنی شاعر غم را مانند مطلبی قابل گفتن تصور کرده است.

۲-۲-۳ زنگار است.

امروز پست گشت مرا همت بلند زنگار غم گرفت مرا طبع غم‌زدای (مسعود سعد سلمان، ص ۵۵۳)

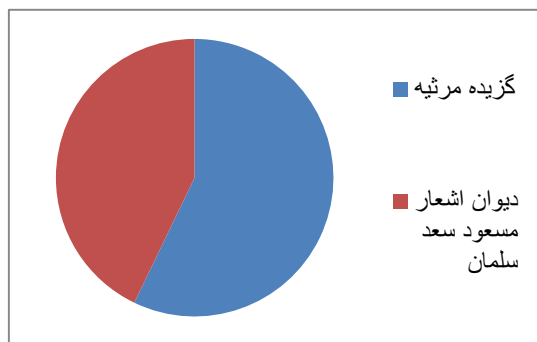
در این بیت حوزه مبدا غم با حوزه مقصد زنگار بیان شده است. همت شاعر به دلیل غم بسیار، زنگار گرفته است.

۳. نتیجه‌گیری

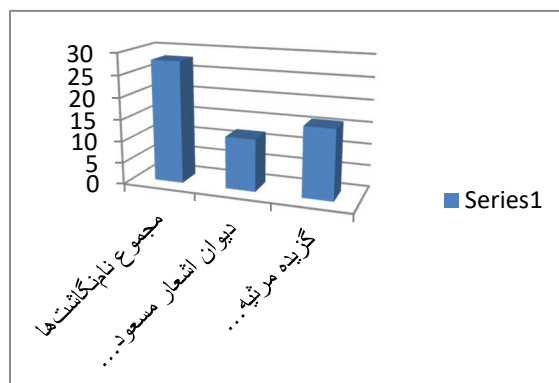
تحلیل‌های صورت گرفته بر روی دو نوع شعر مرثیه و حبسیه بود. برای نوع «مرثیه»، مجموعه شعری از ملا علی فاخر با نام گزیده مرثیه، و برای «حبسیه» اشعار فارسی مسعود سعد سلمان مورد بررسی قرار گرفت. در گزیده مرثیه ۱۶ نوع نام‌نگاشت با حوزه‌های مبدأ «نیرو»، «شیء»، «درد و بلا و مصیبت» به ترتیب پربسامدترین بود و پس از آن نام‌نگاشت‌های انسان یا جاندار، زمان یا واقعه، ماده، عنصر طبیعت، ظرف، آتش، مظروف، خوراک، بند و اسارت، بیماری، گیاه و پوشاک قرار داشت. در دیوان اشعار مسعود سعد سلمان، ۱۲ نوع نام‌نگاشت با حوزه مبدا خوراک، انسان، بیماری، حیوان، شیء، مطلب گفتنی، دشمن، زنگار، آتش، مظروف، ظرف و باران یافت شد. در این دو اثر، ۸ حوزه مبدأ مشترک وجود دارد که عبارت است از: غم شیء است، غم انسان است، غم آتش است، غم ماده است، غم ظرف است، غم مظروف است، غم خوردنی است، غم بیماری است. اما هر دو اثر در برخی از حوزه‌های مبدأ با هم تفاوت داشتند. به گونه‌ای که در گزیده مرثیه، حوزه مبدأهای نیرو، درد و بلا و مصیبت، زمان یا واقعه، عنصر طبیعت، مکان، بند و اسارت، گیاه و پوشاک یافت شد

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نیا و حاجی‌پور ۳۲

که در شعر مسعود سعد وجود نداشت؛ همچنین در حبسیه مسعود سعد، غم با حوزه مبداهای حیوان، مطلب‌گفتنی و زنگار دیده شد که در گزیده مرثیه نبود.



نسبت نام‌نگاشت حوزه مبداء غم



مشترکات نام‌نگاشت با حوزه مبداء غم در دو اثر

گرچه استعاره مفهومی غم در این دو اثر، حوزه مبداهای مشترکی دارد، ولی احساس غم در هر دو شاعر به صورت آشکاری متفاوت است که می‌تواند به دلیل تفاوت موقعیت آن دو باشد. برای مثال غم با نام‌نگاشت انسان، گرچه در هر دو مشترک است اما در گزیده مرثیه، غم انسانی است که سر به گریبان دارد یا کسی است که حمله‌ور می‌شود ولی در حبسیه، غم چون مونس و غم‌خواری تصویر شده که دلالت بر در بند بودن شاعر و تنهایی او دارد. در مثالی دیگر که غم با حوزه مبدأ خوردنی مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاعر در گزیده مرثیه به دلیل عشق فراوانش به امامان (علیهم السلام)، خوردن غم را عین ثواب می‌داند، بنابراین در اشعار خود از فعل «خوردن» استفاده می‌کند؛ درحالی‌که در حبسیه از آنجا که شاعر در تنهایی و سوز و گداز دوری از عزیزان خود است و چاره‌ای جز تحمل این درد را ندارد، پس تلاش او بر این است که غم نخورد و به این علت از فعل «نخوردن» استفاده کرده است.

در تفاوت‌هایی که در نام‌نگاشت غم دیده شد، انتظار می‌رفت که شاعر محبوس از نام‌نگاشت بند و اسارت برای غم استفاده نماید در حالی که این نام‌نگاشت در آثار مرثیه استفاده شده بود. شاید بتوان گفت شاعری که با تمام وجود، بند و اسارت را درک کرده و با آن عجین گشته، چنان در آن غرق شده که نیاز به بیان غم خود با این تصویرسازی ندارد. در کاربرد استعاره مفهومی غم، مطلب گفتنی است، شاید بتوان گفت، شاعر به دلیل تنهایی و نداشتن همدم و نیاز خود به تعامل و گفت و شنود را با این استعاره بیان کرده است.

کتاب‌نامه

- آزادی‌خواه، مریم (۱۳۹۴)، *بررسی استعاره‌های مفهومی «غم» و «شادی» در اشعار پروین اعتصامی در چارچوب زبان‌شناسی شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- افراشی، آریتا (۱۳۹۵)، *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افراشی، آریتا؛ مقیمی‌زاده، مسعود (۱۳۹۳)، «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی» *زبان‌شناخت*، شماره ۱۰.
- تباری، فاطمه (۱۳۹۴)، *استعاره‌های مفهومی خشم در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی و حاجی‌پور ۳۴

زوروز، مهدیس (۱۳۹۲)، *استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره مدار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

زوروز، مهدیس و افراشی، آریتا و عاصی، مصطفی (۱۳۹۲)، «استعاره‌های مفهومی شادی در زبان فارسی: یک تحلیل پیکره مدار»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال ۵، شماره ۹.

طالبی، مهناز (۱۳۹۱)، *بازتاب تصویرسازی خشم در زبان نابینایان و بینایان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه الزهرا.

فاخر، ملاعلی (۱۳۹۴)، *گزیده مرثیه فاخر، ساری: شلفین*.

فاخر، ملاعلی (۱۳۹۵)، *گزیده اشعار فاخر، ساری: شلفین*.

فضائلی، سیده مریم؛ ابراهیمی، شیما (۱۳۹۳)، «بررسی استعاره مفهومی احساس «غم» در شعر مسعود سعد سلمان»، *مطالعات زبان و ادبیات غنایی*، دوره ۴، شماره ۱۳.

قاسمی، حسین؛ امیری، محمدعارف؛ حاجی‌پور، نادیا؛ پرتوی آناهیتا (۱۳۹۶)، «استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی فاخر»، در *مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی ملا علی و شیخ آقا حسن فاخری*، جلد ۲، صص ۲۷-۵۳، ساری: شلفین.

کریمی، وحیده (۱۳۹۱)، *استعاره‌های مفهومی در حوزه درد در گویش کردی ایلام از منظر معنی‌شناختی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مسعود سعد سلمان (۱۳۹۰)، *دیوان مسعود سعد سلمان، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد مهیار*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مسعود سعد سلمان (۱۳۶۲)، *دیوان مسعود سعد سلمان، مقدمه ناصر هیری*، تهران: انتشارات گلشانی.

ملکیان، معصومه؛ ساسانی، فرهاد (۱۳۹۲)، «بیان استعاری غم و شادی در گفتار روزمره»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی انتقادی*، سال ۳، شماره ۵.

منصوبی، آزاده (۱۳۸۹)، *بررسی استعاره در زبان درد از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه الزهرا.

موسسه فرهنگی هنری ملاعلی و شیخ آقا حسن فاخری ← فاخر (۱۳۹۴ و ۱۳۹۵).

موسوی نسب، سارا (۱۳۹۲)، *بازنمود استعاره مفهومی عشق در زبان ناشنوایان بالغ در مقایسه با شنوایان فارسی‌زبان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه الزهرا.

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نیای و حاجی‌پور ۳۵

نایب لویی، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی واژه‌های عواطف در حوزه‌های شادی و لذت و علاقه در چارچوب نظری قالب‌های معنایی چارلز فیلمور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Afrashi, A. (2011), "Shame in Persian: A cognitive, cultural perspective", In *Emotion, Cognition, and Communication Conference*, Cyprus: University of Nicosia and Sorbonne.

Ding, F. (2012), "The interaction between metaphor and metonymy in emotion category". *Theory and Practice in Language Studies*, 2(11), Finland: Academy Publisher Manufactured.

Johnson, M. & Lakoff. G. (1980), *Metaphors We Live By*, Chicago: The University of Chicago Press.

Kovecses, Z. (2010), *Metaphor: A practical introduction*, London: Oxford University Press.

Lakoff, G. (1987), *Women, fire and dangerous things: What categories reveal about mind*, Chicago and London: University of Chicago Press.

Lakoff, G. (1990), "The Invariance Hypothesis: is abstract reason based on image-schemas?". *Cognitive Linguistics* (includes Cognitive Linguistics Bibliography), Birmingham: University of Birmingham.

Lakoff, G. (1993), "The contemporary theory of metaphor", In A. Ortony, (Ed.), *Metaphor and thought* (2nd Ed.). Cambridge: Cambridge University Press.

Langacker, R. W. (1987), *Foundations of cognitive grammar: Theoretical prerequisites* (Vol. 1), Stanford: Stanford university press.

Luo, L. (2016). "Conceptualization of Sadness Metaphor in English". In *Studies in Literature and Language*, Quebec: **Canadian Academy of Oriental and Occidental Culture**.

Ricoeur, P. (1978), *The rule of metaphor: Multidisciplinary*, Outledge and Kegan. Toronto: University of Toronto Press.

استعاره مفهومی «غم» در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه؛ پرتوی، سعادت‌نی‌ا و حاجی‌پور ۳۶

Turner, M. & Lakoff, G (1989), *More than Cool Reason*, Chicago: University of Chicago Press.

Turner, M. (1987), *Death is the mother of beauty: Mind, metaphor, criticism*, Chicago: University of Chicago Press.